را شبیه ابوذر درآورده و از منبر پایین آمد. نور هم با او حرکت می‌کرد. ناگهان خروشید: «ابوذر، ابوذر، پیامبر گفته بود کسی از یارانش در بیابان می‌میرد. من باید تنها زندگی کنم، تنها بمیرم و تنها برانگیخته شوم.» او سپس در جایی نشست. صدای قرآن از یک طرف می‌آمد و صدای جمعیت ازسوی دیگر. آنگاه چراغ‌های سن خاموش شد و جسمی که به شکل هرم بود، روی سن قرار گرفت و چراغ های سن روشن شد و عده‌ای سیاه‌پوش که هرکدام زنجیری به کمر بسته بودند، دورِ جسمی که درواقع بت بوده، حلقه زدند و بر آن سجده کردند.

در این موقع، ابوذر آشفته می‌شود و با آنان پرخاش می‌کند. ابوذر به‌دست مخالفین گرفتار می‌شود و او را روی دوششان می‌گیرند. در آن اثنا صدای نیِ غمناکی نواخته می‌شود. ابوذر را از بالای دوششان به زمین کوبیدند و او دوباره به آنان حمله کرد. این‌دفعه دست‌های او را با زنجیر بستند؛ ولی پس از چند لحظه، او نجات پیدا کرد و صداهایی ازقبیل صدای گرگ و صدای قرآن و الله الله به گوش ابوذر می‌رسد و او را در عقیده‌اش استوارتر می‌سازد و او یک‌دفعه می‌گوید: «هیچ کس عذاب را نپذیرد مگر خان قبیله با میخ طویله» (کف زدن حضار)... صحنهٔ مرگ ابوذر را در بیابان نشان می‌داد و او می‌گفت کسانی‌که مرا دفن می‌کنند، اگر از جاسوسان هستند، دفنم نکنند و سپس رنگ سبز بر روی او تابید و چراغ‌ها خاموش شد و تمام سالن در تاریکی فرو رفت و لامپ‌های قرمزرنگی که علامت خون بود، از سقف سن سرازیر شد و بازیگران دربرابر مردم قرار گرفتند و حضار برای تشویق آن‌ها کف زدند.

اعضای نمایش عبارت بودند از نویسنده: رضا دانشور، کارگردان: ایرج صغیری، بازیگران: صغیری (در نقش ابوذر)، حاجی‌پور، اسفندیاری، شیرازی، علائی، موسوی، تفقد، زارع، هندی، اردیبهشت، صادقی. ضمناً کسانی‌که علاقه‌مند هستند مجدداً این نمایشنامه را ببینند، بایستی به دبیرخانه مراجعه و برای هر بلیت 50 ریال بپردازند. نظریه شنبه: نظری ندارد. نظریه یکشنبه: نظری ندارد. نظریه چهارشنبه: نظری ندارد.

10. جلسهٔ دوم؛ سند 10 مهر 52؛ بازجویی از علی شریعتی

پس از اجرای نمایش ابوذر در حسینیهٔ ارشاد و استقبال مردم، دیگر انعکاسی از اخبار نمایش در اسناد ساواک به‌صورت گزارش و خبر موجود نیست. تا اینکه در تاریخ 10 مهر 52، سندی با عنوان «بازجویی از علی شریعتی، جلسهٔ دوم» موجود است. دکتر شریعتی در پاسخ به سؤالی که از او خواسته شده است همهٔ فعالیت‌های خود و دوستان خود را از دورهٔ دبیرستان تا این تاریخ با شرح جزئیات بیان کند، دربارهٔ تئاتر ابوذر گفته است: «...حسینیهٔ ارشاد همیشه با سازمان امنیت شمیران در تماس بود و مشورت می‌کرد و توصیه‌های امنیتی را عمل می‌کرد و هر برنامه‌ای را به اطلاع می‌رساند و اگر گاه مسائلی پیش می‌آمد، با نظر آن سازمان حل می‌کرد؛ چنان‌که به یاد دارم، دربارهٔ نمایش مذهبی ابوذر که در دانشگاه مشهد و سپس در انجمن ایران و آمریکا اجرا شد، قبلاً متن نمایشنامه و گروه را خواست و سپس اجازهٔ نمایش داد که چهار شب ادامه داشت.

11. سند 27 آبان 52؛ چهارمین جلسهٔ بازجویی از علی شریعتی

آخرین سند موجود در این رابطه نیز متعلق به چهارمین جلسهٔ بازجویی از علی شریعتی به تاریخ 27 آبان 52 است. او در پاسخ به این سؤال‌ها که «چند مرتبه در حسینیهٔ ارشاد، نمایش تشکیل گردید؟» و «کلیهٔ نمایشنامه‌ها را شرح دهید و نام ببرید»، این‌چنین گفته است: «دو بار، یکی نمایشنامهٔ ابوذر بود که قبلاً در دانشگاه مشهد ازطرف گروه هنری دانشگاه مشهد به مدت ده دوازده شب در تالار بزرگ دانشگاه نمایش داده شده بود. همین گروه، چون نمایشنامه خوب اجرا شده بود، ازطرف دانشگاه ملی و آبادان هم دعوت شده بودند که در آنجا تکرار شود که به‌دلیل آماده نبودن کسی‌که نقش ابوذر را اجرا می‌کرد، عملی نشد. کارگردان داریوش ارجمند بود که اکنون کارگردان هنری سازمان تئاتر خراسان وابسته به ادارهٔ فرهنگ و هنر خراسان است؛ نویسندهٔ نمایشنامه دانشور دانشجوی مشهد و اجراکننده ایرج صغیری دانشجوی دانشکدهٔ ادبیات مشهد. در حسینیه ابتدا متن نمایشنامه و نام اعضای شرکت‌کننده به سازمان امنیت ازطرف حسینیه معرفی و نمایشنامه تسلیم شد و سپس به‌مدت 3 یا 4 شب اجرا شد؛ به‌طوری‌که شنیده‌ام همین متن در اصفهان ازطرف انجمن ایران و آمریکااجراشده‌است.»

نمایشنامه به شرح زیر آغاز شد: ابتدا پرده‌ها کنار رفت و چراغ‌ها خاموش شد و شخص سفیدپوشی که روبه‌روی منبر ایستاده بود، به‌وسیلهٔ نور سفید نشان داده می‌شد. او خود را شبیه ابوذر درآورده و از منبر پایین آمد. نور هم با او حرکت می‌کرد